خودتان هم اشاره کردید که در مجلس و در میان نمایندگان مجلس نیز سوءبرداشت‌هایی از این فرمان داریم و این نشان می‌دهد که احتیاج به تبیین بیشتر این فرمان است؛ آتش به اختیار واژه‌ای اصالتاً نظامی است. در این خصوص توضیح بفرمایید که چرا برای امر فرهنگی از یک فرمان نظامی استفاده شده است؟

فضائلی: جایگاه حقوقی افراد مانع بدفهمی افراد نیست. این نخستین بار نیست افراد در جایگاه‌هایی که قرار دارند مبتلا به بدفهمی می‌شوند و این موضوع ناشی از این است که فرد فارغ از جایگاهی که دارد نمی‌خواهد فهم این مطلب را داشته باشد که صادرکننده این فرمان کیست؟ مخاطب آن کیست؟ در چه بستر و شرایطی این فرمان صادر شده است؟ وقتی کسی به این موارد توجه نمی‌کند در هر جایگاه حقوقی که باشد می‌تواند دچار این بدفهمی شود.

اما اینکه چرا از یک واژه نظامی در یک امر فرهنگی استفاده شده است؛ اولاً ما از واژگان مختلف در عرصه‌های مختلف استفاده می‌کنیم و استفاده از چنین واژه‌ای آن هم برای شخص ادیب و مسلط به بیان و فصاحت و بلاغت رهبری که کسی در آن تردیدی ندارد، امر جدیدی نیست؛ دوم اینکه اساساً ما در یک مبارزه فرهنگی و جنگ فرهنگی هستیم. بحث دقیقاً همین است. کسی این موضوع را می‌فهمد و کسی درک نمی‌کند. رهبری می‌گوید مخاطب من کسانی هستند که این مبارزه را باور دارند و کسانی که این مبارزه را باور ندارند و قبول ندارند که ما در یک منازعه و نبرد جدی فرهنگی هستیم طبیعتاً تعجب می‌کنند که چرا از چنین واژه‌ای استفاده شده است.

در گذشته هم تعابیر این‌چنینی داشتیم مثلاً رهبر انقلاب، شورای عالی انقلاب فرهنگی را قرارگاه مرکزی فرهنگ در کشور تعبیر کردند یا مثلاً از عنوان جبهه فرهنگی و تعابیری از این دست استفاده کردند.

بنابراین اولین بار نیست که از این واژه‌ها استفاده می‌شود و این نیز به فهم شرایط بازمی‌گردد که ما به صورت واقعی در یک نبرد جدی فرهنگی هستیم نه امروز بلکه سال‌هاست این نزاع شروع شده و روز به روز شدیدتر می‌شود و طبیعتاً استفاده از این واژگان در این صحنه چیز جدیدی نیست و اتفاقاً کمک می‌کند این صحنه درست فهم شود.

البته من تبصره‌ای را اینجا بگذارم و آن اینکه برداشت من این نیست که آنچه رهبری فرمودند فقط منحصر به حوزه فرهنگ است. یعنی ایشان اشاراتی داشتند و می‌شود از مجموعه آن اشارات فهمید که در مواردی هم که به عنوان مثال در حوزه سیاست داخلی، کشور دچار اختلال شد؛ همین مخاطبین باید واکنش نشان داده و وظایف خود را انجام دهند. در حوزه سیاست خارجی نیز همینطور است. رهبر انقلاب در دیدار اخیر نیز صریحاً اشاره می‌کنند که شما باید در عرصه سیاست خارجی واکنش نشان دهید و واکنش شما هم باید با واکنش دیپلمات‌ها متفاوت باشد. دیپلمات‌ها وظایف خود را در چارچوب رفتاری خود دارند و دلیلی ندارد که این مخاطبان با همان ادبیات و رعایت همان چارچوب‌ها و ضوابطی که آنان باید رعایت کنند، عمل کنند؛ لذا گمان می‌کنم محدود کردن این مسئله به صرف حوزه فرهنگ خیلی درست نیست.

آقای گنجی به نظر شما قرارگاه‌های فرهنگی در جمهوری اسلامی کدام است و وزن و جایگاهشان چه میزان است که بعداز ۳۸ سال گویی مقام معظم رهبری به تعبیری از منشأ اثر بودن آنان ناامید شده‌اند و افسران جنگ نرم و دانشجویان را به میدان فراخوانده‌اند؟

گنجی: من نخست نکته‌ای را در خصوص استفاده از واژه نظامی در عرصه غیرنظامی می‌گویم. طبیعتاً گاهی گویا کردن یک موضوع با استفاده از مفاهیم معرفه و شناخته شده صورت می‌گیرد تا با کم کردن تعابیر مسئله روشن شود.

چون ما درگیر جنگ هستیم این تعمیم‌پذیری وجود دارد و خود واژه افسران یک واژه نظامی است که ما از آن استفاده می‌کنیم، واژه خاکریز فرهنگی یا حتی تعمیم جهاد به عرصه اقتصادی، علمی، فرهنگی درواقع تعمیم‌پذیری برای گویا کردن مطلب است تا به شناخت کمک شود.

در توضیح واژه «آتش به اختیار» در ساحت نظامی، به شخص نظامی در هنگام آموزش‌های اولیه می‌گویند که اگر روزی فرمانده نداشتید یا فرمانده کشته شد یا ارتباط با مقر فرماندهی قطع شد چه کار باید بکنید.

مقام معظم رهبری نیز در این ۲۸ سال گفته‌اند چه کاری باید انجام شود و تمام کسانی که مخاطب هستند برای این موضوع دستورالعمل دارند؛ بنابراین یکی از اصول مهم کار این است که ببینیم حیطه کجاست که در این صورت خیلی از مشکلات حل می‌شود. حیطه آنجاست که مقام معظم رهبری در این ۲۸ سال مطالبات زیادی داشته‌اند که بر زمین مانده است و سخت معتقدم که کلید اصلی رهبری جوانان و دانشجویان بحث مطالبه‌گری است؛ یعنی مسئله را خیلی پیچیده نکنیم و مطالبات بر زمین مانده از دستگاه‌ها را پیگیری کنیم. دانشجو که ابزار قهریه ندارد؛ یا با قلم یا بیان یا حضور فیزیکی برای یک اعتراض قانونی می‌تواند بحث مطالبه‌گری را پیگیری کند.

در این قضیه هیچ‌کس نباید غیریتی را در مقابل نیروهای انقلاب تعریف کند. غیریت ما از خاستگاه انقلاب اسلامی دشمن است، غیریت ما مخالفین انقلاب اسلامی هستند که طبیعتاً در جهت گفتمانی غرب‌محور آنهاست. اینکه ما فکر کنیم نقطه مقابل حرف رهبری انحصاراً دولت یا فلان دستگاه است اینگونه نیست. انحصار خاصی ندارد و ممکن است دستگاهی باشد که خارج از دولت باشد یا مجموعه‌ای که ذیل نظر مقام معظم رهبری فعالیت می‌کند. یعنی اینگونه نیست که کسی فکر کند جبهه‌بندی در این مورد صورت می‌گیرد و در آن جبهه یک فرد یا گروه صرفاً متهم است و دیگران طلبکار هستند.

در پاسخ به سؤال شما باید بگویم که الحمدلله در کشور ما دستگاه‌های فرهنگی زیادی وجود دارند اما خروجی و کارآمدی آنها خیلی قابل دفاع نیست. مجموعه‌هایی مانند شورای عالی انقلاب فرهنگی، وزارت علوم، سازمان تبلیغات اسلامی، شورای هماهنگی و حتی بسیج کارکردهای فرهنگی دارند و ممکن است نقاط ضعفی داشته باشند.

بنده معتقدم تشکل‌های دانشجویی، پیش‌قراول مشخص این قصه هستند گرچه با آقای فضائلی موافقم که این موضوع حصر در دانشگاه نیست اما مسئله اصلی آن عرصه جوانی و دانشجویی است چون به هر حال انرژی این حوزه انرژی متراکمی برای دفاع از انقلاب اسلامی است.

فرض بفرمایید مقام معظم رهبری گفته‌اند که اردوهای مختلط برگزار نشود. وقتی دانشجوی مسلمان می‌بیند که دستگاه به نگاه یک مرجع تقلید که رهبر سیاسی هم هست بی‌توجهی می‌کند طبیعتاً وارد میدان می‌شود.

وقتی مقام معظم رهبری می‌گویند من بیش از صد بار گفته‌ام که کرسی‌های آزاداندیشی را در دانشگاه برگزار کنید و برگزار نکردید، دانشجو می‌بیند وقتی می‌خواهد این کرسی را برگزار کند ده‌ها مانع برای آن ایجاد می‌شود، حراست دانشگاه مقابل او دوربین می‌گذارد و او دیگر نمی‌تواند حرف بزند و از این دوربین می‌ترسد و اینقدر تذکر و هشدار می‌دهند تا بحث ذبح می‌شود یا به عنوان مثال دانشگاه مانع شود یا مدیریت استان در دانشگاه مانع شود. این از مواردی است که آتش به اختیار در آن معنی پیدا می‌کند.

> **اختلالی که در دستگاه‌های فرهنگی ما وجود دارد این است که این دستگاه‌ها یا مانع حرکت نیروهای مؤمن و انقلابی هستند که رهبری هم چندین بار بر تقویت جناح و جریان دانشجویی مؤمن یا حداقل کمک نکردن حاکمیت به دیگرانی که در مسیر انقلاب اسلامی نیستند، تأکید کردند. اینها مواردی است که به آن توجه نشده است و وقتی توجه نمی‌شود و این تقویت صورت نمی‌گیرد فرمان «آتش به اختیار» صادر می‌شود**

> **فهم شرایط به این معناست که ما در یک میدان مبارزه بسیار جدی قرار داریم. بخشی از این مبارزه نفوذ است؛ یعنی دشمن برای ضربه زدن به نظام و انقلاب از شیوه‌های مختلفی استفاده می‌کند که یک شیوه آن نفوذ است. اصل این است که ما بفهمیم در صحنه مبارزه قرار داریم و مختصات این صحنه را بدانیم و بپذیریم که دشمن به صورت واقعی وجود دارد**

در حوزه‌های کاری رهبری در صحبت‌هایشان به حوزه‌های جهادی نیز اشاره می‌کنند. ممکن است شما بخواهید جایی کار جهادی انجام دهید و دستگاه مانع بشود، کمک نکند و مجوز صادر نکند، این از جمله مصادیق آتش به اختیاری است. در بسیاری از موارد ممکن است ضوابطی را حاکم کنند که جوانان مؤمن و انقلابی به خاطر عمل به فرامین رهبری به حوزه انتظامی و قضایی کشیده شوند و با آنها برخورد انضباطی شود. در این موارد نباید این اوضاع را تحمل کرد و باید به میدان آمد.

معتقدم دانشجویان و نیروهای مؤمن به انقلاب اتاق‌های فکر و اندیشه‌ورز تشکیل دهند و نخست ببینند کار قرارگاه‌هایی که دچار اختلال هستند چیست و آنها را احصا کنند و ببینند مطالبات رهبری از اینان چیست و با رعایت قانون و رعایت شاخص‌هایی که در حوزه عمومی خارج از قدرت در جمهوری اسلامی است چطور می‌شود آنها را دنبال کرد؟ چون با بررسی‌ای که انجام دادم در روش بیش از ۲۰ مورد کار می‌توانیم انجام دهیم. از نوشتن یک یادداشت اعتراضی تا یک بیانیه تا برگزاری یک تجمع تا رفتن به جلسه با مسئولان تا یک مصاحبه یا میزگرد.

نکته دیگری که این فرمان دارد این است که جدا از اینکه این دستگاه اخلال دارد حجت را بر کسانی که معتقد به فرامین رهبری هستند تمام کرد که برای تن‌آسایی و تنبلی دیگر جایگاهی وجود ندارد. در سال ۸۶ هم رهبری به دانشجویان فرموده بودند که شما نباید اهل تن‌آسایی و تنبلی باشید ولی این فرمان مضاعف است؛ یعنی به بهانه اینکه دستگاهی همراهی نمی‌کند و اعتقادی ندارد و مسیر مسیر اشتباهی است شما خود را معاف از ادامه کار یا معاف از نبرد فرهنگی ندانید و این فرمان مسیری را برای تلاش مضاعف نیروهای انقلاب ایجاد کرده است.

آقای فضائلی آتش به اختیار بودن در چارچوب قانون به چه معناست و چگونه امکان دارد؟

فضائلی: این موضوع خیلی سختی نیست؛ رهبری در بحث افسران جنگ نرم و فرماندهان آنان در سال‌های گذشته تعبیری را تحت عنوان «نقش‌آفرینی» مطرح کردند و توقعشان این است که دانشجویان و اساتیدی را که ویژگی‌های آنان را تعریف کردیم، نسبت به اتفاقاتی که پیرامون آنان می‌افتد بی‌تفاوت نباشند و نقش‌آفرین باشند.

این نقش‌آفرینی می‌تواند ابعاد مختلفی داشته باشد، بخشی از آن سلبی است ولی بخش‌های مهمی از آن نیز ایجابی است. بخش‌هایی تدافعی و بخش‌هایی تهاجمی است؛ ما می‌توانیم اینها را تقسیم کنیم و ذیل هر کدام از اینها فعالیت‌هایی را شاهد باشیم.

یعنی وقتی می‌گوییم رفتار آتش به اختیار به این معنا نیست که دانشجویان فقط ببینند کدام دستگاه کارش را اشتباه انجام می‌دهد و در مخالفت با آن کار اشتباه اعلام موضع و نقش‌آفرینی کند.

در این نوع نقش‌آفرینی (مخالفت با امر اشتباه) می‌توانند بیانیه صادر کنند، از مسئولان آن دستگاه مطالبه کنند، در جایگاه پرسشگری قرار گیرند و تجمعات درست اعتراضی داشته باشند که ما سوابق آن را در طول این چند سال زیاد داشتیم.

مواردی هم وجود دارد که باید کار ایجابی انجام دهند و خودشان وارد صحنه عمل بشوند. مثلاً همین کرسی‌های آزاداندیشی از جمله کارهای ایجابی است که خود تشکل‌های دانشجویی و نیروهای انقلاب می‌توانند پیشقدم شوند و آن را انجام بدهند، لذا به نظرم باید این موضوع تفکیک شود که در مجموعه ذیل نقش‌آفرینی، برخی نقش‌آفرینی‌ها سلبی و در مخالفت با امور اشتباه است که احیاناً دستگاه‌ها انجام می‌دهند. این دستگاه‌ها الزاماً فقط در دولت نیستند و خارج از دولت نیز ممکن است اقدامات نادرست صورت گیرد.

در مواردی هم باید کارهای ایجابی انجام دهند و نقش‌آفرینی در جایگاه دفاع از مواردی باشد که مربوط به نظام، انقلاب، ارزش‌ها، آرمان‌ها و دستاوردهاست.

بخش‌هایی هم باید تهاجمی باشد به خصوص آنجایی که طرف دشمن است و باید وجه تهاجمی آن پررنگ‌تر باشد.

منع‌هایی هم وجود دارد؛ به عنوان مثال رهبری با برهم زدن سخنرانی‌ها مخالف هستند. این تازگی ندارد و از همان اوایل رهبری ایشان نمونه‌هایی را داریم که افرادی بودند که سخنرانی‌ها و مطالب مخربی را نسبت به ارزش‌ها و مبانی انقلاب می‌نوشتند یا سخنرانی می‌کردند و عده دیگری آن سخنرانی را به هم می‌زدند. رهبری نسبت به این موارد واکنش نشان دادند و فرمودند این کارها درست نیست. توقع من این است که اگر کسی چنین سخنرانی‌هایی انجام می‌دهد ۴۰ نفر بیایند پاسخ او را منطقی بدهند.

در همین سال‌های اخیر هم می‌بینیم که اقداماتی از این دست انجام شد و رهبری مخالفت خود را بیان کردند. در سخنرانی شخصیتی عده‌ای مجلس را به هم می‌ریزند، حمله به سفارت انگلیس و عربستان یا اتفاقاتی که اخیراً در نماز جمعه یزد صورت گرفت.

یکی از ویژگی‌های مهم کسانی که می‌خواهند فرمان آتش به اختیار را انجام دهند عقلانیت است، عقلانیت جزو ویژگی‌های انقلابی‌گری است. کسی که می‌خواهد رفتار انقلابی انجام دهد باید تلاش کند که عقلانی رفتار بکند لذا اگر به مجموعه فکری و سیره رهبری در این ۲۸-۲۷ سال کسی توجه کند می‌تواند بفهمد که اگر من بخواهم به فرمان این رهبر اقدام و حرکتی داشته باشم می‌توانم دریافت کنم که ایشان از کدام عمل من خوشحال می‌شود و از کدام ناراحت، لذا چارچوب این نقش‌آفرینی‌ها در مجموعه رفتار رهبری مشخص است.

آقای گنجی دانشجوی انقلابی مطالبه‌گر در حوزه سیاسی چطور می‌تواند آتش به اختیار عمل کند؟

گنجی: دانشجو به عنوان یک عنصر عدالتخواه آرمان‌طلب دو ویژگی دارد که هم دور از قدرت است و هم دور از ثروت.

این دو ویژگی هم مرجعیت اجتماعی او را موجه می‌کند و هم شخصیت‌ساز است.

در عرصه سیاسی کار آتش به اختیار برای دانشجو چون به دور از قدرت، سیاست و ثروت است، صرفاً مطالبه‌گری است، بنابراین مقام معظم رهبری به دانشجویان می‌گویند کار سیاسی شما حد و مرز ندارد الا اینکه نباید وارد دسته‌بندی‌های سیاسی شوید و جای دیگری می‌فرمایند: خدا لعنت کند دست‌هایی که نمی‌گذارد دانشجویان ما سیاسی شوند.

مطالبه سیاسی دانشجو مشخصاً از دستگاه‌ها و حاکمیت یک نوع دیده‌بانی است که مسیر انقلاب اسلامی در عرصه سیاست داخلی و سیاست‌های کلی نظام را رصد می‌کند. فرض کنید رئیس مجلس، رئیس‌جمهور یا فلان نماینده اظهارنظری می‌کند یا تصمیمی گرفته می‌شود. وظیفه دانشجوی مطالبه‌گر این است که ببیند این تصمیم با کلیت نظام جمهوری اسلامی و نظام سیاسی امام چقدر انطباق دارد و اوست که باید کجی‌ها را راست و اصلاح کند زیرا مرجعیت دارد و از او پذیرفته می‌شود.

مرجعیت هم به این دلیل است که دانشجو کارمند و حقوق‌بگیر حاکمیت نیست، منتها شرط این مرجعیت، بصیرت است. ممکن است محافظه‌کاری بر دانشگاه یا حتی مجموعه‌های خارج از دانشگاه سایه انداخته باشد و دوست داشته باشند حوزه مدیریتی‌شان یک حوزه آرام، بی‌دردسر و بی‌تنش باشد.

دانشجو می‌خواهد برای ارتقای بصیرت برنامه سیاسی بگذارد و ممکن است دانشگاه با این موضوع مخالفت کند یا در نوع برنامه‌ها دست به گزینش بزند، این جور مواقع است که کار سیاسی دانشجو معنا پیدا می‌کند. مطالبه‌گری دانشجو چون منفعت‌طلبانه نیست هم مورد توجه جامعه قرار می‌گیرد، هم مورد توجه حکومت و هم مورد تحسین رهبری.

بخشی از کسانی که در حاکمیت هستند (مانند همان نماینده‌ای که شما اسم بردید) گاهی ترازشان، تراز یک آدم سیاسی نیست. سیاست هم مانند مدیریت و شعر ویژگی‌هایی فردی دارد. اینها اشتباهاً وارد این عرصه شدند، شخص روشنفکر است و وارد عرصه سیاست شده که دچار تعارضات می‌شود.

اتفاقاً یکی از فعالیت‌های دانشجوی سیاسی مطالبه‌گر، اصلاح چنین افرادی است که شما در واقع در حاکمیت هستید اما مواضع شما به گونه‌ای است که گویی اپوزیسیون حاکمیت هستید!

دانشجویان می‌توانند این افراد را فرا بخوانند و به چالش بکشند، اما نکته‌ای که بسیار مهم است و شاید اصلاح‌طلبان بیشتر به این موضوع در خصوص فرمان آتش به اختیار توجه کردند، این است که در حال حاضر رهبری به گونه‌ای حوزه غیرحاکمیتی نظام را تقویت می‌کنند. یعنی جنبه‌هایی که جنبه‌های مردمی نظام است و این حاکمیت، کارهای حاکمیتی‌اش را انجام نمی‌دهد و رهبری به مردم می‌سپارند و اتفاقاً این از موارد اصلی انقلاب اسلامی و از حلقه‌های گمشده ما و از اموری است که در ذات انقلاب اسلامی است و در دهه ۶۰ به وفور دیده می‌شد.

بنابراین شاید تعبیر دیگر «آتش به اختیار» اقدامات خودجوش باشد که در واقع خودتان جایی خلأ و نیازی ببینید و وارد شوید.

مقام معظم رهبری در گذشته به دانشجویان نکته‌ای را گفتند که دانشجویان باید در حال حاضر به آن رجوع کنند و آن این است که شما وارد هر میدانی که می‌خواهید بشوید چند شرط دارد و اگر آن شرایط را ندارید اصلاً وارد نشوید. اولین شرط این است که نیاز را درون خودتان احساس کنید؛ این موضوع با بخشنامه و ابلاغ پدیدار نمی‌شود.

زمانی که نیاز را تشخیص دادید، به عزم و اراده احتیاج است. حالا ممکن است عزم و اراده هم داشته باشید ولی توان آن را نداشته باشید. مثلاً شما دیدید یک روستا نیاز به سازندگی دارد و خدماتی باید داده شود. نیاز را تشخیص دادید، عزم و اراده هم دارید، اما توانش را ندارید. این همان جایی است که دستگاه باید به کمک بیاید که متأسفانه گاهی نمی‌آید.

جناب فضائلی در ابتدای صحبتتان گفتید که شناخت شرایط و اقتضائات زمانی در فهم مفهوم آتش به اختیار مهم است. آتش به اختیار در عرصه فرهنگ، هنر و سیاست چگونه معنا می‌شود؟ در مورد رفتار نرم و سخت هم توضیح دهید.

فضائلی: فهم شرایط به این معناست که ما در یک میدان مبارزه بسیار جدی قرار داریم. بخشی از این مبارزه نفوذ است؛ یعنی دشمن برای ضربه زدن به نظام و انقلاب از شیوه‌های مختلفی استفاده می‌کند که یک شیوه آن نفوذ است. اصل این است که ما بفهمیم در صحنه مبارزه قرار داریم و مختصات این صحنه را بدانیم و بپذیریم که دشمن به صورت واقعی وجود دارد.

ما در طول این سال‌ها شاهد این هستیم که جریانی اساساً تلاش می‌کند مفهوم دشمن را از ذهن مردم پاک کند. یعنی ساده‌سازی انجام می‌دهند و چنین القا می‌کنند که ما دشمن به آن معنا نداریم و این مفهوم زاییده توهم است.

البته در حال حاضر به نظرم قضیه به قدری روشن است که حتی اگر هر از چند گاهی دشمن در یک رفتار فریبکارانه تلاش کند چهره خود را از بین ببرد یا کمرنگ کند، کسانی که فهم عمیق و ویژه‌ای هم ندارند و کمی واقع‌بینانه صحنه را نگاه می‌کنند متوجه می‌شوند دشمن همیشه وجود داشته و یک مواقعی بروز و ظهورش بیشتر می‌شود.

وزیر امور خارجه امریکا به صراحت می‌گوید ما از جریان‌هایی که برانداز نظام هستند حمایت می‌کنیم. دشمن دیگر شاخ و دم دارد؟ وزیر خارجه کشوری رسماً خواستار براندازی دولتی مانند جمهوری اسلامی می‌شود که در همین حوالی یک آزمون موفقیت‌آمیز مردم‌سالاری و دموکراسی را مطابق معیارهای جهانی به نمایش گذاشت.

شناخت این صحنه یک طرف موضوع است، طرف دیگر این است که نظام یکسری اهداف و آرمان‌هایی دارد که باید به سمت آن برود.

البته توصیه رهبری به دانشجویان و بقیه افراد این بود که شما واقع‌بین و آرمانگرا باشید. واقعیت‌ها را ببینید و به آرمان‌ها هم به عنوان نقطه‌ای که مسیر و جهت انقلاب را نشان می‌دهد توجه داشته باشید و با توجه به واقعیت‌ها به آن سمت حرکت کنید.

وقتی بحث وجود دشمن و رفتارهای خصمانه او را بپذیریم و تلاش‌های دشمن را در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و غیره فهم کنیم؛ طبیعتاً کسی که می‌خواهد اینجا عمل کند باید در مقابله با دشمن رفتار مشخصی داشته باشد.

از این سو جنبه‌های ایجابی قضیه یعنی حرکت به سمت آرمان‌ها، شرایط و اقتضائاتی دارد و نیروهای انقلابی باید در مواردی که می‌بینند دستگاه‌ها در بخش‌های مختلف نسبت به این آرمان‌ها کم‌توجه، کم‌تحرک و بی‌رمق هستند یا به نوعی به آرمان‌ها آسیب می‌زنند و آرمان‌زدایی می‌کنند باید رفتار سلبی داشته باشند و در اینگونه موارد فعال بوده و واکنش نشان دهند.

اگر جریان مبارزه با فساد در کشور ضعیف می‌شود _چه از طرف دولت که به عنوان دستگاه اصلی وظیفه پیشگیری از فساد را دارد و چه قوه قضائیه که وظیفه مقابله با فساد و مفسدین را دارد- طبیعی است که نیروهای انقلابی نباید ساکت بنشینند و از دولتمردان و دستگاه‌های قضایی باید مطالبه داشته باشند که وظایف و مسئولیت‌های خود را در ارتباط با فساد ستیزی به صورت جدی انجام دهند.

مواردی هم ایجابی است، یعنی می‌بینند که کاستی‌هایی وجود دارد. نداشتن بضاعت فکری در دستگاه‌های مسئول یا شناختن مسئولیت‌ها. اینجا نیز نیروهای انقلابی می‌توانند وارد عمل شوند؛ تولیداتی داشته باشند، محصولاتی در حوزه‌های مختلف به وجود آورند و با توان و امکانات خود، آن خلأ را برطرف کنند.

اینها همه رفتار نرم است؟

فضائلی: بله، اینها همه اقدامات نرم است. اقدامات سخت یعنی اینکه شما سخنرانی به هم بزنید. طبیعتاً مصداق آتش به اختیاری به هم زدن سخنرانی نیست. مصداق آتش به اختیار این نیست که شما به ساختمان یک وزارتخانه حمله کنید، بزنید و بشکنید و بگویید ما آتش به اختیار عمل می‌کنیم. اینها بدفهمی از این مفهوم است، حضور فیزیکی و تجمع اعتراض‌آمیز جزو رفتارهای نرم محسوب می‌شود، اگرچه جنس آن حضور فیزیکی است.

ولی واقعاً آتش به اختیاری در موارد بسیاری ایجابی است. محصول تولید کنند، فکر تولید کنند، در حوزه‌های جهادی وارد شوند و باز هم تأکید می‌کنم که حوزه اقدام، حوزه متنوعی است.

به سیاست و فرهنگ محدود نیست، به عنوان مثل یکی از وظایف مهمی که در کشور وجود دارد و رهبری هم بر آن تأکید ویژه‌ای داشتند، بحث پیشرفت علمی کشور است. تولید علم و عالم. دستگاه‌هایی در کشور در این خصوص مسئولیت مستقیم دارند. وزارت علوم، وزارت بهداشت و آموزش و پرورش وظایفی دارند که مستقیماً به حوزه دانشگاه و بحث آموزشی برمی‌گردد و این نهادها باید در این زمینه کار کنند.

حالا اگر این دستگاه‌ها احیاناً دچار کم‌کاری هستند، غفلت می‌کنند، وقتشان را صرف کارهای حاشیه‌ای می‌کنند. نیروهای انقلاب باید در این برهه مطالبه پیشرفت علمی را داشته باشند، یعنی اینگونه نیست که فقط به بحث سیاست و فرهنگ محدود شود.

مثال دیگر بحث اقتصاد مقاومتی است که یک نیاز مبرم کشور است. اگر دستگاه‌های مسئول در حوزه اقتصاد مقاومتی وظایف خود را درست انجام نمی‌دهند نیروهای انقلابی باید این مقوله را مطالبه و این گفتمان را تقویت کنند، لذا به نظرم بسیار حوزه متنوعی است و بخشی از هنر، بصیرت، رفتار درست و واکنش صحیح نسبت به مفهوم آتش به اختیار این است که ما در بین این حوزه‌های متنوع بتوانیم اولویت‌ها را تشخیص دهیم و وارد اقدام شویم.

آقای گنجی در انتها جمع‌بندی خود را از مبحث آتش به اختیار بفرمایید.

گنجی: معتقدین به انقلاب اسلامی در اجرای فرمان رهبری هیچ کار خطایی را انجام نخواهند داد و بیشترین نگرانی این است که دشمنان بخواهند این موضوع را مستمسکی قرار دهند تا هم رفتار خود را موجه و هم هر اقدام خودسری را در این قالب مفهوم‌سازی کنند و مصداق این فرمان بدانند والا در حوزه نیروهای مؤمن به انقلاب اسلامی که از سیره رهبری شناخت دارند هیچ نگرانی برای اقدامات غیرقانونی و خودسر نداریم و معتقدیم اتفاقاً جنبه‌های مردمی نظام جمهوری اسلامی با اجرای این فرمان تقویت می‌شود.

نکته آخر اینکه نه خود دولت و نه نیروهای انقلاب نباید این موضوع را حصر در دولت بدانند و غیریت را دولت تعریف کنند. حال هر دولتی در هر زمانی که می‌خواهد باشد.

حیطه این موضوع بسیار گسترده است چون نظام ما گسترده است و علاوه بر سه قوه دستگاه‌های دیگر حاکمیتی هم هستند که همه آنها را شامل می‌شود و ابعادش تمامی ابعاد است.

آقای فضائلی علاوه بر جمع‌بندی موضوع بفرمایید چه کسانی از صدور این فرمان دچار اضطراب شدند؟

فضائلی: برداشتم این است کسانی دچار اضطراب شدند و واکنش نامناسب نشان دادند و سعی بر تحریف این مطالبه رهبری کردند که دل در گرو این انقلاب ندارند یعنی نه از این مطالبه و فرمان بلکه هر آن چیزی که بخواهد به حفظ نشاط انقلاب کمک کند زیرا یکی از دستاوردهای مطالبات رهبری این است که سبب می‌شود انقلاب نشاط خود را حفظ کند.

وقتی نیروهای انقلابی با نشاط و فعال باشند انقلاب هم با تحرک و فعال می‌شود و طبیعتاً هر امری که باعث چنین نشاط و تحرک و فعالیتی بشود کسانی را که نسبت به انقلاب موضع دارند دچار ناراحتی می‌کند چون آنها دنبال رخوت، بی‌رمق شدن و از دست رفتن پویایی انقلاب هستند.

نکته دیگری که قابل ذکر است این است که اگر بخواهیم مثبت نگاه کنیم احیاناً کسانی که علاقه‌مند به این انقلاب هستند ولی نگرانند که از این حرکت، فرمان و مطالبه رهبری سوءاستفاده شود نیز نگرانی‌هایی را ابراز کردند یا ممکن است ابراز کنند که البته جنس این نگرانی‌ها با هم تفاوت دارد. عده‌ای هم مطابق همیشه دچار بدفهمی هستند.

لذا به نظرم همه کسانی که علاقه‌مند به انقلاب و نظام هستند نه تنها ناراحت و نگران نشدند بلکه از این فرمان استقبال کردند. جریانی هم وجود دارد که در این چند سال بنا را بر این گذاشته که رهبری نظام هر حرفی را می‌زند آنها شروع به تحریف و مخالفت کردن می‌کنند. این افراد هم در جبهه مخالف انقلاب هستند و یکی از عرصه‌های جدی مخالفت و مبارزه نسبت به مواضع رهبری نظام است.

> **اگر جریان مبارزه با فساد در کشور ضعیف می‌شود _چه از طرف دولت که به عنوان دستگاه اصلی وظیفه پیشگیری از فساد را دارد و چه قوه قضائیه که وظیفه مقابله با فساد و مفسدین را دارد- طبیعی است که نیروهای انقلابی نباید ساکت بنشینند و از دولتمردان و دستگاه‌های قضایی باید مطالبه داشته باشند که وظایف و مسئولیت‌های خود را در ارتباط با فساد ستیزی به صورت جدی انجام دهند**